

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ا. م. شیری

۲۸ جون ۲۰۱۲

نقش تاریخی ترکیه در حوادث جهانی و منطقه‌ای

دولتهای ترکیه، این کشور آسیائی-اروپائی، همواره نقش به شدت ارتجاعی و مخربی در حوادث جهان و منطقه بازی کرده و همیشه در کنار مرتجع ترین دولتهای غربی ایستاده اند. اگر نخواهیم به اعماق تاریخ سر بزنییم و از جنگ چالدران در قریب ۵۰۰ سال پیش و دیگر لشکرکشیهای امپراتوری عثمانی سخن به میان آوریم، اشاره مختصر به نقش و جایگاه دولتهای ترکیه در جنگهای جهانی اول و دوم و سپس، در جنگ «سرد»، کافیت که به ماهیت و نقش تاریخی دولتهای ضدمردمی این کشور پی ببریم.

ترکیه عثمانی در جنگ جهانی اول، جنگ امپریالیستی برای تقسیم جهان به مناطق تحت نفوذ امپراتوریهای آن زمان، در کنار المان کایزری قرار گرفت و در نتیجه، در اثر شکست المان و متحدانش در این جنگ، به موجودیت امپراتوری عثمانی نیز پایان داده شد.

شاید بتوان این را به عنوان خوش شانسی ترکها شمرد که مصطفی کمال پاشا از سالونیک یونان سر برآورد و توانست به کمک نبوغ نظامی خود، بخشی از امپراتوری عثمانی را که بعد از جنگ جهانی اول جمهوری ترکیه نامیده می شود، حفظ کرد.

با این که جنگ جهانی اول امپراتوری عثمانی را به ترکیه عثمانی تقلیل داد، ولی، سران ترکیه چیزی از درس تاریخ نیاموختند و بار دیگر، در جنگ جهانی دوم باز هم در کنار فاشیسم جهانی به رهبری المان هیتلری ایستاده و علیه قوای صلح و ترقی جهانی، علیه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی جوان جنگیدند. شکست مفتضحانه فاشیسم در مقیاس جهانی هم باعث آن نشد که سیاستگزاران ترکیه به درس آموزی از تاریخ روی آورند. دلیل آن، به احتمال زیاد این بود که سیاست این کشور همواره در خارج از مرزهای آن، اساساً در اروپا و امریکا تنظیم و تبیین می شود.

به رغم این مفتضحات، ترکیه بار دیگر در یک جنگ امپریالیستی جهانی گسترده تر، در جنگ به اصطلاح «سرد» علیه صلح و سوسیالیسم به یکی از مهمترین پایگاههای ارتجاع جهانی تبدیل گردید. گویی این بار بخت با ترکها یار بود که جبهه قدران بین المللی بر جبهه صلح و سوسیالیسم [۱] غلبه یافت و نوبت به آن رسید که ترکیه با دم خود

گردو بشکند. مهمترین عایدی ترکیه از شرکت در جنگ «سرد» این بود که به یکی از عمده ترین مراکز انتقال و فروش کودکان و زنان جمهوریهای منشعب از اتحاد شوروی، به خصوص جمهوریهای ترک نژاد بدل گردید. پس از غلبه ارتجاع جهانی بر جبهه کشورهای ترقیخواه و رو به توسعه در اوایل دهه نود قرن گذشته، دامنه جنگهای استعماری با توجه به اوضاع و احوال داخلی و آرایش نیروها در کشورهای مختلف، در شکل و نمودهای «نو»، از «انقلابات رنگی» تا تجاوزات نظامی، از حملات تروریستی تا تهاجم ایدئولوژیک، سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی و فرهنگی شدت کم سابقه ای گرفت. در این جنگها، به خصوص در جنگهای بالکان، افغانستان، لیبیا و همچنین، امروز در جنگ برای اشغال سوریه همه دولت‌های ضد مردمی ترکیه، به ویژه، دولت حزب اسلامی «عدالت و توسعه» یا به عبارت دقیق تر اخوان المسلمین ترکیه به رهبری مرتجعین دوقلو، رجب طیب اردوغان و عبدالله گل، نقش به شدت پر رنگی ایفاء کرده و می‌کند.

از آغاز تهاجم تروریستی غرب به سوریه در چهارده ماه پیش، خاک ترکیه به پایگاه و سکوی عمده و اصلی اعزام دسته‌های تروریست، یعنی، ارتش جایگزین غرب به داخل سوریه و به محل تجمع مأموران امنیتی و کارشناسان خرابکاری، به محل آموزش تروریست و اعضای ارتش مزدوران غرب، به عبارت صریحتر، به ستاد فرماندهی جنگ ضد سوریه بدل شد.

آنچه که تا امروز، مثل روز روشن است این است، که چون استعمارگران غربی از تمام حقه‌های خود برای مداخله نظامی- تروریستی مستقیم در سوریه، از تحریمهای اقتصادی و تلاش مستمر در شورای امنیت سازمان ملل متحد برای اخذ مجوز، از شورای حقوق بشر دست آموز در ژنو و تجمع گله دوستان «سوریه» به میزبانی منصف المزروقی در تونس و تجار به اصطلاح سوریه‌ئی در دوی گرفته تا حملات تروریستی، انفجارها و کشتارهای جنون آمیز زنان و کودکان برای گرفتار ساختن سوریه به سرنوشت، افغانستان، عراق، سومالی و یا لیبیا طرفی نیست، آخرین کارت خود را رو کرد. این کارت فرسوده، چیزی غیر از همان کارت تاریخی ترکیه نبود. دولت ترکیه در اجرای اوامر اربابان غربی و رسالت تاریخی خود، جمعه گذشته (۲ سرطان)، در یک اقدام تحریک آمیز، بدون توجه به عواقب فاجعه بار جهانی و منطقه‌ئی آن، یک جت جنگنده اف-۴ را به آسمان سوریه فرستاد. بعید نیست که تصمیم این اقدام از پیش برنامه ریزی شده ترکیه، در خارج از این کشور و در محافل جنگ افروز غرب گرفته شده باشد. به ادعای مقامات این کشور و آگاهان سوریه‌ئی و حتی برخی رسانه‌های امپریالیستی، این هواپیما در ارتفاع پائین (۱۰۰ متری، حتما به منظور گریز از رادار) و با سرعت زیاد پرواز می‌کرده است. در پاسخ به این اقدام غیرمسئولانه ترکیه، پدافند هوایی سوریه طبق موازین و مقررات بین‌المللی، جت متجاوز را ساقط کرد. در پی سقوط این هواپیما در آبهای سرزمینی سوریه، مقامات محلی استعمار- رجب طیب اردوغان، عبدالله گل و احمد داوود اوغلو- در واکنش به پاسخ سوریه، این کشور را تهدیدی برای ترکیه خواندند و برای تظلم خواهی به «معشوقان» ناتوئی خویش پناه بردند.

ناتوچی-ها در جلسه اضطراری روز گذشته خود (۶ سرطان)، عکس العمل به حق سوریه در مقابل اقدام تجاوزکارانه ترکیه را غیر قابل قبول خواندند و آقای راسموسن، دبیر کل ناتو گفت: «بگذارید صریح باشیم. امنیت اعضای ناتو غیرقابل تفکیک است. ما همگی با ترکیه هستیم» (بی بی سی فارسی). یعنی با متجاوز. با این که، ناتوچی‌ها در آینده چه تصمیمی خواهند گرفت، هنوز به طور مشخص اعلام نکرده اند ولی، اردوغان از «پاسخ نظامی به تهدیدات سوریه» سخن گفت.

نکته حائز اهمیت این که به گزارش برخی رسانه ها، همزمان با تجاوز تحریک آمیز جت جنگنده ترکیه به حریم هوایی سوریه و سقوط آن در آبهای سرزمینی این کشور، باندهای تروریستی، یا به تعبیر غربیها، «مبارزان دموکراسی»، با حمله به روستای دارالعزه در اطراف حلب، چندین ده نفر غیرنظامی را ربودند و سپس، ۲۵ نفر از آنها را به طریق قطعه-قطعه کردن به قتل رساندند. از سرنوشت دیگر ربوده شدگان تا کنون هیچ اطلاعی در دست نیست. دولتهای غربی و رسانه های وابسته به آنها در قبال این شناخت باندهای تروریست نیز مثل تمام جنایتهای خود و دست پروردگان شان بدتر از مردگان سکوت کردند و در متن جار و جنجال عمدی پیرامون سقوط جنگنده ترکیه، جلو بازتاب جهانی آن را گرفتند.

در اینجا به طور طبیعی سؤال جالب توجهی پیش می آید که باید از دولت اسلامی ترکیه و ولی-نعمتهای غربی اش پرسید که اگر جنگنده سوریه مرزهای هوایی ترکیه را نقض می کرد؛ اگر سوریه در داخل خاک خود تروریستها را آموزش می داد، تسلیح می کرد و به داخل امریکا نه، ترکیه می فرستاد؛ اگر سوریه حقوق ماهانه تروریستها و آدمخواران را می پرداخت و به کشتار مردم و بمبگذاری در ترکیه اعزام می کرد، آیا باز هم ناتو جلسه مسخره ۲۶ جون (۶ سرطان) را برای دفاع از سوریه متجاوز تشکیل می داد؟ تردیدی نیست که حتما نه!

گذشته از همه جعلیات و خزعبلاتی که کارگزاران امپریالیسم جهانی و امپریالیسم خبری سعی در حقه کردن آنها به اذهان عمومی می کنند، اقدام تجاوزکارانه دولت اسلامی ترکیه نه امر بدیعی است و نه کاری عجیب. این دولت، در پی شکست انواع حقه بازیهای رذیلانه غرب برای مداخله نظامی مستقیم در سوریه، نقش تاریخی اسلاف خود را به عنوان آخرین حربه امپریالیسم جهانی به سبک مضحکه بازی می کند و با این اقدام تبه کارانه خود، توطئه ترور فرانتس فردیناند، ولیعهد امپراتوری اتریش-مجار و همسرش را در سر پل ساریوو به یادها می آورد که بهانه شعله ور شدن آتش جنگ اول جهانی گردید. اما، طراحان نقض عمدی و مفسده جویانه حریم هوایی سوریه به طور حتم غافل از آن نیستند که در صورت وارد کردن ترکیه در یک جنگ اگر نه جهانی دیگر، حتی منطقه ئی، این بار تمامیت این کشور را به مخاطره خواهند انداخت.

<http://eb1384.wordpress.com/2012/06/27>

۷ سرطان ۱۳۹۱

یادداشت:

[۱] به همان میزانی که شوروی زمان "ستالین" مهد "صلح و سوسیالیسم" شمرده می شد، به همان اندازه و حتا بیشتر از آن شوروی بعد مرگ "ستالین" مهد توطئه و تجاوز و مهد سرمایه داری انحصاری دولتی بود.

اداره پورتال AA-AA